



عوامل مؤثر بر آموزش شهروندی با تأکید بر توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه: شهرداری زنجان)

کاوه تیمورنژاد*

استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

علیرضا یوزباشی

دکتری تخصصی مدیریت آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مجید ابراهیمی

عضو هیأت علمی مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی صدراالتألهین (صدرا)، تهران، ایران

دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۹ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۰۶

چکیده: آموزش شهروندی، از ارکان اساسی زندگی اجتماعی عصر حاضر است و در جوامع پیشرفته، از طریق برنامه‌ریزی‌های متنوع، به آموزش مهارت‌های شهروندی، پرداخته می‌شود؛ با توجه به این شرایط، پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر آموزش شهروندی از دیدگاه کارکنان شهرداری شهر زنجان انجام شده است. روش پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ چگونگی جمع‌آوری اطلاعات، در زمره پژوهش‌های توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری، شامل کلیه کارکنان شهرداری شهر زنجان بوده و با ۲۰۴ نفر به‌عنوان نمونه پژوهش، انتخاب شدند و روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق‌ساخته مبتنی بر طیف پنج ارزشی لیکرت بوده که روایی صوری آن توسط خبرگان دانشگاهی، تأیید شد و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۳ به‌دست آمد. همچنین جهت تحلیل داده‌ها، از آزمون T تک‌نمونه‌ای و آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده شده است. مهم‌ترین یافته‌ها حکایت از آن داشتند که همه عوامل مؤثر بر آموزش شهروندی (رفتارهای مبتنی بر کنش‌های اجتماعی/سیاسی، قانون‌پذیری و قانون‌گرایی، رفتارهای مبتنی بر آموزه‌های دینی و ملی و رفتارهای مبتنی بر حفظ محیط‌زیست و توسعه پایدار) در سطح ۰/۰۵، معنادار هستند و نتایج آزمون فریدمن نشان دادند که کارکنان شهرداری شهر زنجان، به ترتیب رفتارهای مبتنی بر آموزه‌های دینی و ملی، قانون‌پذیری و قانون‌گرایی، رفتارهای مبتنی بر کنش‌های اجتماعی/سیاسی و رفتارهای مبتنی بر حفظ محیط‌زیست و توسعه پایدار در سطح ۰/۰۵ را به‌عنوان عوامل مؤثر بر آموزش شهروندی، اولویت‌بندی کرده‌اند.

واژگان کلیدی: آموزش شهروندی، تربیت شهروندی، کارکنان شهرداری، توسعه پایدار شهر

طبقه‌بندی JEL: P46, I25, L39, Q01

۱- مقدمه

از جمله مباحث مهم در حوزه مطالعات اجتماعی، سیاسی و تربیتی، مفهوم شهروندی است. این مفهوم، ریشه در گستره تاریخ دارد و همواره مورد توجه متفکران بوده است. با توجه به اهمیت شهروندی در دوران معاصر، متفکران متعددی به بحث و بررسی پیرامون این مفهوم پرداخته‌اند. اصطلاح شهروند (citizen)، از شهر (cite) می‌آید و سितه از واژه لاتین سیویتاس (civitas)، مشتق شده است. سیویتاس در زبان لاتین تقریباً معادل کلمه پلیس (polis) در زبان یونانی است که همان شهر است و تنها مجتمعی از ساکنین نیست بلکه واحدهای سیاسی و مستقل به شمار می‌آید (پللو، ۱۳۷۰). شهروند و شهروندی تا حد زیادی وابسته به شرایط خاص کشور و جامعه است و هر فرهنگی نیز شهروند ویژه خود را می‌طلبد. شهروند، فردی است که در یک دولت-ملت^۱ زندگی می‌کند، از حقوق و مزایایی برخوردار است و مسئولیت‌هایی همچون وفاداری نسبت به دولت را بر عهده دارد (Banks, 2008).

برخی دیگر، شهروند را از بعد اجتماعی و دینی تعریف کرده‌اند: «شهروند، فردی است که در ساختار اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، در جامعه حضور دارد و در تصمیم‌گیری و شکل‌دهی آن به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در سایه هم‌زیستی، تعامل داوطلبانه و تلاش همگام در نیل به سعادت دنیوی و اخروی، مؤثر است» (بیات، ۱۳۸۶). به طور کلی می‌توان گفت که شهروند و شهروندی تا حد زیادی وابسته به شرایط خاص کشور و جامعه است و هر فرهنگی نیز شهروند ویژه خود را می‌طلبد. شهروند، فردی است که در یک دولت-ملت زندگی می‌کند، از حقوق و مزایایی برخوردار است و مسئولیت‌هایی همچون وفاداری نسبت به دولت را برعهده دارد (Banks, 2008).

مفهوم شهروندی، نه تنها موضوع مدنظر تاریخ‌نویسان و فیلسوفان بوده است، بلکه در میان

دانشمندان علوم اجتماعی و سیاسی نیز رایج می‌باشد. این‌گونه استدلال شده است که مفهوم شهروندی در تاریخ طولانی‌اش، کانون پژوهش فلسفی و مسائل اجتماعی-سیاسی وسیعی بوده و تا به امروز، به عنوان یکی از سؤالات اساسی در تفکر سیاسی مدرن و همچنین در زمینه تعلیم و تربیت، باقی مانده است. نگاهی به جهان معاصر و تعاملات اجتماعی پیچیده بین انسان‌ها، ضرورت پرداختن به مقوله شهروندی را بیش از پیش، نمایان کرده است (فتحی واجارگاه و واحد چوکده، ۱۳۸۸). امروزه، چه در کلان‌سیستم اجتماع که دولت‌ها، استراتژی‌هایی را تدوین می‌کنند و چه در نواحی، استان‌ها و شهرها و چه در خرده‌سیستم‌های خانواده که والدین، مؤلفین اهداف و استراتژی‌ها هستند، وجود افرادی با ویژگی‌هایی مانند: مسئولیت‌پذیری، انتقادگری، وطن‌پرستی و در یک کلام، شهروندی مسئول، از مؤلفه‌های حیاتی و بااهمیت می‌باشد (محمدپور زرنندی و طباطبایی مزدآبادی، ۱۳۹۵). به منظور تربیت شهروندانی با ویژگی‌های مورد انتظار، بحث تربیت شهروندی پیش از بیش مورد توجه قرار گرفته و در برخی از کشورها در برنامه درسی رسمی آورده شده است (Kisby, 2012)، (Tonge et al., 2012)، (Whiteley, 2012).

آموزش شهروندی را می‌توان به عنوان دانش، ابزار و فعالیت‌هایی در نظر گرفت که به منظور ترغیب افراد جامعه برای مشارکت فعالانه در زندگی دموکراتیک و پذیرش و اعمال حقوق و مسئولیت‌های خود، طراحی می‌شوند (De La Caba Collado & Lopez Atxurra, 2006). باید توجه داشت که آموزش شهروندان در هر کشوری متأثر از مجموعه عوامل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که هر یک از آنها در شکل دادن آموزش‌های شهروندی، نقش حیاتی ایفا می‌کنند. نمی‌توان آموزش شهروندان یک جامعه را به طور انتزاعی و دور از حوزه نفوذ فرهنگی و اجتماعی در نظر گرفت (آقازاده، ۱۳۸۵). باید توجه داشت که آموزش شهروندی،

ب) پژوهش‌های داخلی

محمدپور زرنندی و طباطبایی مزدآبادی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی جایگاه آموزش در توسعه پایدار شهری پرداخته و بیان نمودند که صورت‌بندی مفهوم آموزش برای توسعه پایدار، توسط سازمان‌هایی مانند یونسکو، به نحو مطلوبی انجام شده است؛ اما در خصوص آموزش برای توسعه پایدار، کماکان معضلاتی در کشورهای درحال توسعه وجود دارد؛ بنابراین تلاش‌های آتی بین‌المللی در این زمینه باید به سمت و سوی کشورها و شهرهای رو به توسعه، جهت دهد.

گنجی و همکارانش (۱۳۹۳) به بررسی فرهنگ شهروندی با تأکید بر آموزش‌های شهروندی توسط شهرداری پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن بودند که بین آموزش‌های شهروندی و میزان پای‌بندی به فرهنگ شهروندی، رابطه مستقیمی وجود دارد و آموزش آموزه‌های شهروندی، نقش مؤثری در پای‌بندی مردم به فرهنگ شهروندی داشته است.

جهانیان و حمدی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «نقش آموزش شهروندی بر میزان پذیرش اجتماعی مدیران فرهنگی در سازمان‌های آموزشی» دریافتند که بین آموزش شهروندی در ابعاد دانایی‌محوری، مسئولیت‌پذیری، وطن‌دوستی، قانون‌مداری، مشارکت، انتقادپذیری و میزان پذیرش اجتماعی مدیران فرهنگی در سازمان‌های آموزشی، رابطه معناداری وجود دارد.

محمدخانی و همکارانش (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر رضایت فراگیران از آموزش‌های شهروندی سراهای محله شهر تهران»، با استفاده از روش پیمایشی بین ۴۵۰ نفر از فراگیران کلاس‌های آموزشی در خصوص عوامل مؤثر بر رضایت آنها از آموزش‌های شهروندی، پرسشنامه‌ای را تکمیل نمودند. نتایج پژوهش حاکی از آن بودند که میزان رضایت فراگیران در بین همه سراها و در میان مناطق معنی‌دار بود. نتایج آزمون فریدمن حاکی از بودند که عامل محیطی، مهم‌ترین عامل و عامل آموزشی، ارتباطی، مدیریتی، اجتماعی-

مهم‌ترین عامل مؤثر در دگرگونی طرز نگرش و رفتار بشری است که در مسیر رشد اقتصادی، بهبود کیفیت زندگی، ایجاد دانش و مهارت، تأمین فرصت‌های شغلی و افزایش تولید جامعه به کار گرفته می‌شود (رفیعی و لطفی، ۱۳۸۹). از این رو هدف مقاله حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر آموزش شهروندی (رفتارهای مبتنی بر کنش‌های اجتماعی/سیاسی، قانون‌پذیری و قانون‌گرایی، رفتارهای مبتنی بر آموزه‌های دینی و ملی و رفتارهای مبتنی بر حفظ محیط‌زیست و توسعه پایدار) است.

۲- پیشینه تحقیق

الف) پژوهش‌های خارجی

کیتینگ و جانمات^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «آموزش و پرورش از طریق شهروندی در مدرسه» بیان داشتند که آموزش از طریق شهروندی شامل فرصت‌های یادگیری رسمی و غیررسمی است که دانش‌آموزان را قادر به کسب مهارت‌های مدنی و دانش از طریق تجربه می‌نماید. همچنین دریافتند که فعالیت‌های مدرسه می‌تواند تأثیری پایدار و مستقل در تعامل سیاسی جوانان از طریق آموزش شهروندی داشته باشد.

عبدی و شولتز^۲ (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی راه‌هایی پرداختند که جوانان را برای انجام نقش خود به عنوان شهروندان در طیف وسیعی از کشورها در دهه دوم قرن آماده می‌کند. نتایج این پژوهش حاکی از آن بودند که در راستای آموزش‌های شهروندی، کارفرمایان به دنبال استخدام افرادی با دانش کافی در مورد تغییرات مهم در جامعه، سواد فرهنگی، قضاوت اخلاقی، ارزش‌های انسانی، مسئولیت اجتماعی و مشارکت مدنی می‌باشند که برنامه‌های آموزش شهروندی می‌تواند به افراد در تقویت این مهارت‌ها کمک نماید.

1- Keting and Janmaat
2- Abdi and Shultz

فرهنگی و تکنولوژیکی، به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار داشتند.

رفیعی و لطفی (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی میزان تأثیر آموزش‌های شهروندی در تحقق و دستیابی به توسعه پایدار شهری در ابعاد مختلف آن (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی)، از دیدگاه ساکنان منطقه ۵ شهر تهران پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان دادند که توسعه باید دقیقاً در مرکز تمامی برنامه‌های آموزش شهروندی قرار گیرد و به دلیل آن‌که زیربنای توسعه شهری و به تبع آن توسعه ملی، توسعه در هر یک از بخش‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی می‌باشد؛ لذا برای رسیدن به توسعه در هر یک از بخش‌ها نیاز به آموزش، ضروری است و از آنجایی که انسان، محور توسعه محسوب می‌شود، نیاز به آموزش بیش از پیش، اهمیت دارد که این آموزش می‌تواند در ابعاد مختلفی صورت گیرد.

عیوضی و همکارانش (۱۳۸۷) در مطالعه خود نشان دادند که محتوای مورد نیاز در برنامه درسی تربیت شهروند بومی در عصر جهانی شدن شامل: تقویت فرهنگ بومی، تلفیق فرهنگ بومی، تلفیق محتوای برنامه درسی با نیازهای اجتماعی-اقتصادی، آشنا کردن یادگیرندگان با خط‌مشی‌های اقتصادی به صورت علمی، برنامه‌های درسی خدمات اجتماعی، رشد ادراک یادگیرندگان از بالندگی فرهنگ بومی، درک سوابق فرهنگی و سیاسی جامعه خود می‌باشد.

۳- مبانی نظری

شهروندی

شاکورنسکی^۱ (۲۰۰۵) اعتقاد دارد که رویکردهای فلسفی، جامعه‌شناختی، سیاسی، حقوقی و آموزشی متعددی در تلاش برای پاسخ به این سؤال که شهروندی چیست؟ به وجود آمده‌اند. وی معتقد است که شهروندی، مفهومی پویا، وابسته به زمینه، بحث‌انگیز و چندبعدی است.

پارکر^۲ (۲۰۰۰) بر این باور است که شهروندی، با حقوق انسانی در زندگی اجتماعی، پیوند خورده است. شهروندی، وظایف و مسئولیت‌ها را بین افراد جامعه، توزیع می‌کند و در نهایت، امکان مشارکت افراد در فعل و انفعالات اجتماعی را فراهم می‌سازد (واحد چوکده، ۱۳۸۴). شهروندی، نوعی التزام به قوانین مدنی و تعلقات اجتماعی و فرهنگی است که مرز جغرافیایی و سیاسی در محدوده یک کشور دارد و بر ضوابط و حقوق دولت-ملت، تأکید می‌کند (طاهرپور و شرفی، ۱۳۸۷). ایچلو^۳ (۱۹۹۸) بیان می‌کند که شهروندی، مفهومی پیچیده و چندبعدی است. این مفهوم مشتمل بر ابعاد قانونی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است و حقوق و الزامات، احساس هویت و تعهدات اجتماعی معینی را برای شهروندان تعیین می‌کند (Cecchini, 2004).

بنکس^۴ (۲۰۰۸) انواع شهروندان دسته‌بندی کرده که از چهار سطح به هم مرتبط، به شرح زیر تشکیل شده‌اند:

– شهروندی قانونی^۵: پایین‌ترین و کم‌مایه‌ترین سطح شهروندی محسوب می‌شود. این سطح، شهروندانی را شامل می‌شود که اعضای قانونی دولت-ملت هستند و از حقوق و وظایف معینی برخوردارند. با این وجود، این نوع شهروندان، هرگز و به هیچ وجه در نظام سیاسی، درگیر نمی‌شوند.

– شهروندی حداقلی^۶: افرادی هستند که شهروندان قانونی به حساب می‌آیند، در انتخابات محلی و ملی شرکت می‌کنند و به کاندیداها و اشخاص مهم و اصلی، رأی می‌دهند.

– شهروندی فعال^۷: در رأی‌گیری شرکت می‌کنند و نیز در راستای بالفعل نمودن و اجرای قوانین و مقررات موجود، فعالیت می‌کنند. شهروندان فعال، در تظاهرات اعتراضی،

2- Parker

3- Ichelo

4- Banks

5- Legal Citizen

6- Minimal Citizen

7- Active Citizen

1- Shugurensky

شرکت می‌کنند یا در خصوص مسائل جاری، تغییر، تحولات و اصلاحات، سخنرانی‌های علنی برگزار می‌کنند.

– شهروندی تحولی^۱: این نوع شهروندی، شامل فعالیت‌های مدنی‌ای است که برای بالفعل کردن ارزش‌ها، اصول اخلاقی و ایده‌هایی فراسوی قوانین و مقررات موجود، طراحی و تنظیم می‌گردد. شهروندان تحولی، اقداماتشان در راستای حمایت از عدالت اجتماعی است؛ حتی اگر عملشان قوانین و مقررات و ساختارهای موجود را نقض کرده، به چالش کشاند یا موجب برچیده شدن آنها شود.

آموزش شهروندی

در ادبیات حوزه شهروندی، تعاریف گوناگونی از صاحب‌نظران مختلف وجود دارد. هر یک از این تعاریف، از زاویه خاصی به این مفهوم نگریسته‌اند؛ بنابراین یافتن تعریفی جامع که مورد توافق تمام دست‌اندرکاران این حوزه باشد، کار دشواری است. آموزش شهروندی، صرفاً یادگیری اطلاعات پایه و اساسی درباره مؤسسات و راه و رسم زندگی سیاسی نیست؛ بلکه مشتمل بر کسب مجموعه‌ای از نگرش‌ها، فضائل، علائق و دلبستگی‌هایی است که عمل شهروندی دموکراتیک مستقیماً بر آنها مبتنی است (Harris, 2005).

آموزش شهروندانی کارآمد، آگاه و توانمند که از یک طرف نسبت به حقوق خود آگاه هستند و آن را اعمال می‌کنند و از طرف دیگر می‌دانند که راه دستیابی به بیشترین میزان رضایت شخصی از طریق مشارکت فعال در امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه حاصل می‌شود، ضرورتی مهم برای هر نظام آموزشی است. بسیاری از صاحب‌نظران، تربیت شهروندی را نیاز ضروری برای زندگی در عصر حاضر می‌دانند. هان^۲ (۲۰۰۸) بر این باور است که با آغاز قرن بیست‌ویکم، گرایش شدیدی در آمریکا راجع به موضوع تربیت شهروندی مشاهده شده است. وی معتقد است نویسندگان

متعددی، نگرانی خود را از کاهش سطح مشارکت سیاسی افراد که در مواردی مانند: میزان مشارکت انتخابات و علاقه‌مندی به پیگیری موضوعات عمومی منعکس می‌شود، بیان داشته‌اند. آنها به طرح این سؤال می‌پردازند که چگونه می‌توان جوانان را به انجام فعالیت‌های داوطلبانه و خدمات اجتماعی و همچنین، مشارکت‌های عمیق مدنی، ترغیب و تشویق کرد.

به زعم المعماری^۳ (۲۰۰۹) آموزش شهروندی در برخی کشورها بر پرسشگری مبتنی است. به عبارت دیگر، تربیت شهروندی قصد دارد تا تفکر انتقادی را در فراگیران بیوراند تا بدین طریق آنها را در بررسی انتخاب‌ها و ارزیابی تصمیماتی که بر زندگی فردی و اجتماعی‌شان تأثیر می‌گذارد، یاری دهد. در مقابل، برخی از کشورها تمایل دارند تبعیت و هم‌شکلی را در بین دانش‌آموزان ترغیب کنند. این نوع تربیت شهروندی، به دنبال پرورش وفاداری شدید فراگیران نسبت به حکومت می‌باشد؛ حتی اگر چنین حکومتی در راستای مصلحت عمومی عمل نکند. به عبارت دیگر، دانش‌آموزان به منظور پذیرش نظم اجتماعی و سیاسی و احترام به مراجع قدرت آداب و رسوم و سنت‌ها آماده می‌شوند بدون اینکه درباره آنها تأمل داشته باشند؛ برای مثال این‌گونه تربیت شهروندی در کشورهای عربی منطقه وجود دارد.

شهروندی، به رابطه بین افراد و دولت و رابطه بین افراد در درون یک دولت اشاره دارد. با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان گفت شهروندی علاوه‌بر اشاره به مجموعه‌ای از حقوق و مسئولیت‌های قانونی و تصریح‌شده، گستره‌ای وسیع‌تر از ابعاد صرف حقوقی و سیاسی دارد و شامل یادگیری با هم زیستن می‌شود. بنکس (۲۰۰۸) معتقد است مفاهیم شهروندی و تربیت شهروندی در سراسر جهان توسط عوامل گوناگون تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، به چالش کشیده شده‌اند. مهاجرت گسترده، جهانی شدن و تشدید ملی‌گرایی، به

1- Transformative Citizen
2- Hahn

3- Al-Maamari

بحث‌ها و تفکرات نو در خصوص شهروندی، منجر شده است؛ به طوری که دامنه شهروندی، بسط یافته و حقوق سایر شهروندان و گروه‌های نژادی، زبانی، فرهنگی و قومی را نیز شامل شده است.

سطوح و ابعاد آموزش شهروندی

آموزش شهروندی، در بافت‌های متفاوتی صورت می‌گیرد و ابعاد گوناگونی دارد؛ مانند ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی (کدیور، ۱۳۸۴). شهروندی، تعلق به جامعه‌های گوناگون محلی، ملی و جهانی و عضویت داشتن در جامعه سیاسی است که در هر سه بستر شهروندی محلی، ملی و جهانی، آگاهی از مناسبات و روابط در آن بستر و توانایی فهم و تجزیه و تحلیل مسائل و تلاش برای حل مسالمت‌آمیز آنها و رعایت ارزش‌های اخلاقی و انسانی مانند: عدالت، برابری و آزادی شرط اساسی رفتار مطلوب شهروندی است (طاهرپور و شرفی، ۱۳۸۷). از سوی دیگر، شهروندی فعال و مسئولانه فقط به معنای تعلق به جوامع گوناگون محلی، ملی و جهانی نیست بلکه به معنای مشارکت فعال در زندگی اجتماعی و نهادهای جمعی نیز می‌باشد. کاگان و همکارانش (۲۰۱۴) در بحث از شهروندی، به چهار بعد اشاره کرده‌اند:

۱- **بعد شخصی:** این بعد، پرورش مهارت‌ها و توانایی تحلیل انتقادی مسائل و اتخاذ تصمیم‌هایی که از لحاظ اجتماعی مسئولانه هستند را دربرمی‌گیرد. بعد شخصی شهروندی مستلزم آن است که شهروندان به رفتار و اخلاق مدنی و شهروندی خود پی برده و براین اساس زندگی کنند و همچنین، با تأمل بر روی این رفتارها، آنها را مورد تجدیدنظر قرار دهند.

۲- **بعد اجتماعی:** بعد اجتماعی شهروندی بر این امر اذعان دارد که افراد یک جامعه نیازمند تعامل با یکدیگر می‌باشند و اغلب، این تعامل، بین افرادی که دارای رفتارها و ارزش‌های متفاوتی هستند، صورت می‌گیرد. شهروندان به روش‌های گوناگون؛ مانند بحث و گفت‌وگو، تأمل و تفکر و همچنین اقدام عملی، در زندگی

سیاسی و اجتماعی خود درگیر هستند. کخ‌در این زمینه پیشنهاد کرده همچنان که موضوع سرمایه مالی به شدت مورد توجه است باید برای بسط و توسعه سرمایه اجتماعی نیز سرمایه‌گذاری وسیعی تدارک ببینیم. وی سرمایه اجتماعی را به عنوان جریان‌هایی که بین مردم وجود دارد و شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد عمومی را به وجود آورده و هماهنگی و همکاری به منظور کسب منافع دوسویه را تسهیل می‌کند، تعریف کرده است. فضای عمومی‌ای که به این طریق به وجود می‌آید، جامعه‌ای را ایجاد می‌کند که در آن افراد برای دستیابی به اهداف مدنی با یکدیگر فعالیت می‌کنند. نمونه‌ای از این فعالیت، استفاده از رسانه‌ها توسط جنبش‌های طرفدار محیط‌زیست، به منظور تأثیرگذاری بر دولت‌ها و بخش خصوصی برای پرداختن به مسائل زیست‌محیطی است. کاگان معتقد است که برای آموزش شهروندان به منظور پذیرفتن نقش‌های اجتماعی، مدارس باید به فراگیران این امکان را بدهند تا در مسائل اجتماعی درگیر شده و به انجام خدمات اجتماعی اقدام کنند (محمدپور زرنندی و طباطبایی مزدآبادی، ۱۳۹۵).

۳- **بعد مکانی:** در این بعد هر فرد، فراتر از خود و جامعه پیرامونی، در حیطه جوامع محلی، ناحیه‌ای، ملی و چندفرهنگی عمل می‌کند. به طور فزاینده، جهان، مرزهای مادر را با تعلقات مجازی در هم می‌شکند. انسجام دهکده جهانی در قرن بیست و یکم، از حجم و بعد بیشتری برخوردار است. تا میزان زیادی می‌توان این نتیجه را به تغییرات در تکنولوژی، ارتباطات، الگوهای تجاری، مهاجرت و ... نسبت داد. در این بعد، مفهوم شهروندی مبتنی بر دولت-ملت‌ها جای خود را به شهروندی مبتنی بر پیوستگی و ارتباطات محلی و جهانی می‌دهد و شهروندان در یک زمان، اعضای جوامع مختلف محسوب می‌شوند. این بعد شهروندی مستلزم این است که در مقیاس‌های مختلف عمل کند و تأثیر و تأثرات جهانی را بر امور محلی، مورد توجه قرار دهد. کاگان

معتقد است که این بعد شهروندی، از اصطلاح «جهانی بیاندیش و محلی عمل کن»، پشتیبانی می‌کند.

۴- بعد زمانی: کاگان، آخرین بعد شهروندی را بعد زمانی نامیده است. بعد زمانی شهروندی بر این موضوع تأکید دارد که شهروندان نباید خود را خیلی در زمان حال محدود کنند و از تحلیل گذشته و آینده غافل شوند. شهروندان باید مسائل و موضوعات را در بستر زمان مورد توجه قرار دهند و بر دلالت‌هایی که این موضوعات بر گذشته، حال و آینده دارند، بیاندیشند. این فرایند، راه‌حل‌های کوتاه‌مدت را کنار گذاشته، راه‌حل‌های بلندمدت را که به تساوی و برابری بین نسلی می‌انجامد، تضمین خواهد کرد.

اهداف آموزش شهروندی

اهداف آموزش شهروندی، بستگی زیادی به نوع نظام سیاسی یک کشور دارد. مالن^۱ (۲۰۰۸) بر این باور است که هدف تربیت شهروندی در مدارس عمومی آمریکا باید القای ارزش‌ها و اصول دموکراتیک، پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی و مسأله‌گشایی، درگیر کردن فراگیران در مباحث پیرامون مسائل و موضوعات گوناگون و فراهم کردن فرصت‌های یادگیری و اجتماعی غنی، به منظور پرورش افراد وظیفه‌محور و سیاست‌مدار باشد.

وولف^۲ (۱۹۹۶) معتقد است که مربیان و معلمان پرورشی، درصدد تحقق مجموعه‌ای از اهداف مختلف از طریق تربیت شهروندی هستند. از لحاظ تاریخی، بسیاری از برنامه‌های آموزش شهروندی به دنبال پرورش احساس غرور و افتخار ملی در دانش‌آموزان، از طریق مطالعه تاریخ یا مؤسسات سیاسی کشورشان بوده‌اند. برخی از مربیان، رویکردی ارسطویی اتخاذ کرده‌اند؛ بدین معنی که فرد برای اینکه انسانی با فضیلت محسوب شود باید در امور جامعه خود سهیم باشد و به همین منظور به فراگیران، ارزشمندی خدمت به کشور؛ برای مثال از طریق خدمت سربازی^۳ آموخته می‌شد. هم‌چنین برخی

از افراد، بر تعلیم اصول عدالت اجتماعی به عنوان هدف اساسی تربیت شهروندی تأکید داشته‌اند. بسیاری از دموکرات‌های مشارکت‌طلب، از آموزشی حمایت می‌کنند که به دانش‌آموزان بیاموزند تا در محیط کار، مدرسه و خانواده، فردی فعال باشند.

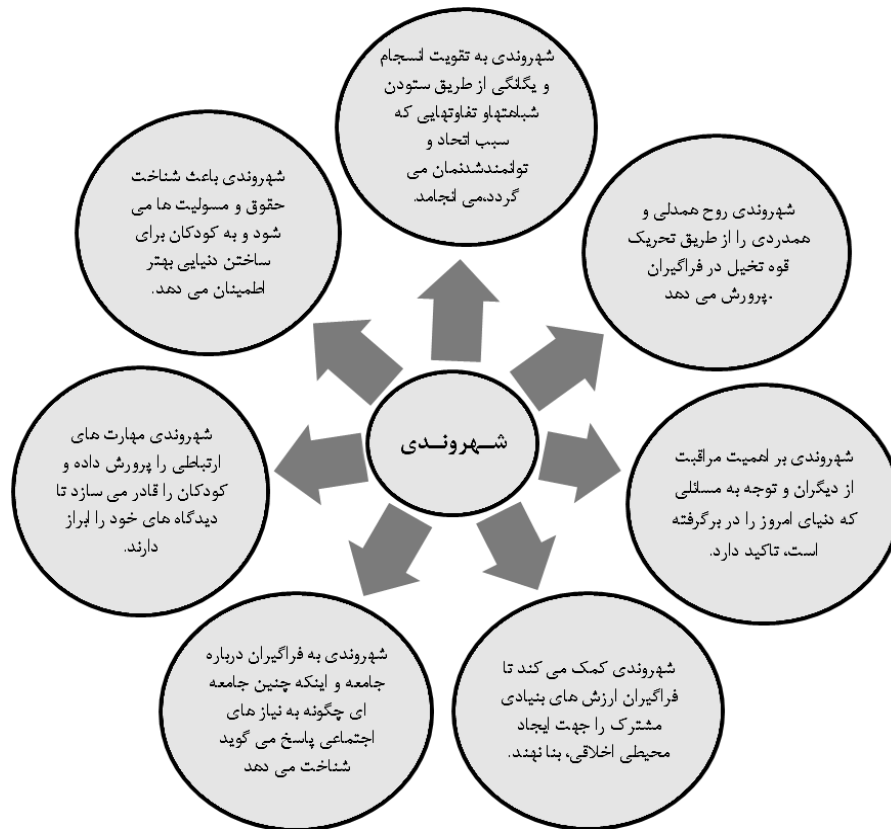
این گروه از آموزشی حمایت می‌کنند که افراد را قادر می‌سازد تا در مدرسه و محیط زندگی به تمرین مشارکت بپردازند. آموزش شهروندی در برخی از کشورها، بر پرورشگری مبتنی است. به عبارت دیگر، تربیت شهروندی قصد دارد تا تفکر انتقادی را در فراگیران پروراند تا بدین طریق آنها را در بررسی انتخاب‌ها و ارزیابی تصمیماتی که بر زندگی فردی و اجتماعی‌شان تأثیر می‌گذارد، یاری دهد. در مقابل، برخی از کشورها تمایل دارند تبعیت و هم‌شکلی را در بین دانش‌آموزان ترغیب کنند. این نوع تربیت شهروندی، به دنبال پرورش وفاداری شدید فراگیران نسبت به حکومت می‌باشد. به عبارت دیگر، دانش‌آموزان به منظور پذیرش نظم اجتماعی و سیاسی و احترام به مراجع قدرت آداب و رسوم و سنت‌ها آماده می‌شوند.

شناسایی و ترسیم اهداف آموزش شهروندی در هر کشوری، مستلزم کسب شناخت از مفهوم شهروند خوب و هم‌چنین، مؤلفه‌های شهروندی است. به عبارت دیگر، در گام نخست باید دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت شهروندی بدانند شهروند خوب کیست و مؤلفه‌های شهروندی و به تبع آن، تربیت شهروندی کدام است. در این راستا، یک برنامه درسی شهروند خوب باید اهداف چندگانه‌ای را تحقق بخشد. به عبارت دیگر، برنامه درسی شهروندی باید فراگیران را در پرورش ویژگی‌های چندگانه شهروندی کمک کرده و فرصت‌های گوناگونی را برای پرورش مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های فراگیران تدارک بیند. در شکل ۱، اهداف چندگانه تربیت شهروندی نشان داده شده است.

1- Malone

2- Wolf

3- Military Service



شکل ۱- اهداف چندگانه تربیت شهروندی

منبع: (Heath et al., 2008)

توسعه پایدار شهری

توسعه پایدار، از جمله مفاهیمی است که در دهه‌های اخیر، موضوع بسیاری از مطالعات در حوزه‌های گوناگون قرار گرفته است. از مهم‌ترین مفاهیمی که در توسعه پایدار مطرح می‌شود، برابری، عدالت بین‌نسلی و توجه به نیازهای نسل آینده، حفاظت از محیط‌زیست و کیفیت مناسب زندگی می‌باشد. با توجه به رشد روزافزون جمعیت جهان و تراکم جمعیت در مناطق شهری، بروز مشکلات متعددی در شهرها، باعث تسری مفهوم توسعه پایدار به حوزه شهری و طرح مفهوم توسعه پایدار شهری شد. این مفهوم از چهار بعد، مدنظر قرار می‌گیرد که عبارتند از: پایداری منابع طبیعی، پایداری سیاسی، پایداری اجتماعی و پایداری اقتصادی. در توسعه پایدار شهری، محوریت موضوع بر شهری است که سبک زیست در آن، با معیارهایی نظیر: عدالت اجتماعی،

مشارکت شهروندی، همبستگی اجتماعی، کارآمدی نهادهای اجتماعی، فرهنگ شهروندی، کارآمدی سیاست‌ها و برنامه‌های سیاست‌گذاری در حوزه کلان‌شهری و بهینه‌سازی مناسبات مدنی، سنجیده می‌شود. مهم‌ترین منبع موجود در مجموعه شهر برای نیل به توسعه پایدار شهری، نیروی انسانی است که با کسب قابلیت‌هایی، به سرمایه شهری تبدیل می‌شود و در حیطه‌های مختلف توسعه پایدار شهری، نقش ویژه‌ای در توسعه پایدار شهری ایفا می‌نماید (محمدپور زرندی و طباطبایی مزدآبادی، ۱۳۹۴).

تلقی ساده از توسعه (به معنای عبور از مراحل تکاملی و تحمل دگرگونی‌های کمی و کیفی در راستای بهبود اوضاع جامعه) در پرتو نقدهای متنوع و متعدد دهه ۱۹۷۰، به ویژه در دهه ۱۹۸۰، به بن‌بست رسید و مفهوم توسعه پایدار مطرح شد. توسعه پایدار، در تحلیلی

نظام‌مند از مسائل جوامع، ارائه راه‌حل‌ها را منوط به معیارهای برابری، عدالت و صلح در نظام جهانی قرار داد. توسعه پایدار، از نگاه کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه (WCED) در سال ۱۹۸۷ فرایندی تعریف شد که در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، جهت‌گیری توسعه تکنولوژی و تغییرات نهادی، با نیازهای حال و آینده، سازگار باشد. در اجلاس ریو، توسعه پایدار، توسعه‌ای معرفی شد که نیازهای کنونی بشر را بدون به مخاطره افکندن نیاز نسل‌های آینده، برآورده ساخته و به محیط‌زیست و نسل‌های فردا، توجه داشته باشد. براتلند^۲ در گزارش خود، توسعه پایدار را نوعی از توسعه می‌داند که در برابر نیازهای فعلی، بدون آسیب رساندن به ظرفیت‌های آینده متعلق به نسل آتی، پاسخگو باشد (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۰). مفهوم پایداری در توسعه، مداومت بخشیدن به تولید و تجدید در نسل فعلی و آتی، بدون وارد کردن خسارت به محیط‌زیست می‌باشد. از نظر چایلد^۳ توسعه پایدار، توسعه‌ای است که بتواند در بلندمدت بدون اینکه خسارتی به محیط‌زیست وارد کند، تداوم یابد (اسدی، ۱۳۷۹). طبق تعریف دیگری، این مفهوم، فرایندی است که طی آن، علاوه بر کیفیت مناسب زندگی، نیازهای نسل آینده و حفاظت از محیط‌زیست نیز مدنظر باشد (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۰) یا به بهره‌برداری صحیح از منابع پایه، طبیعی، مالی و انسانی، برای دستیابی به الگوی مصرف مطلوب و با به کارگیری امکانات فنی، ساختار و تشکیلات مناسب، به‌گونه‌ای پرداخته شود که به رفع نیازهای نسل امروز و آینده، به طور مستمر و رضایت‌بخش، منتج شود (زیاری، ۱۳۸۳).

اگرچه در ظاهر امر، توسعه پایدار، مفهومی زیست‌محیطی است، اما این بحث، زمانی از کارآمدی برخوردار خواهد بود که پنج بعد توسعه؛ یعنی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، زیست‌محیطی و فرهنگی، با هم و در

ارتباط متقابلشان، مورد بحث قرار گیرند؛ زیرا توسعه پایدار، بدون در نظر گرفتن هر یک از این مؤلفه‌ها، به توسعه‌ای ناپایدار تبدیل خواهد شد (معصومی، ۱۳۹۰). در بعد اقتصادی توسعه، انتظار می‌رود روند توسعه پایدار به سمت افزایش کارایی، بهره‌وری و رشد اقتصادی به صورت مستمر و مداوم باشد؛ به گونه‌ای که نابرابری‌های اقتصادی، کاهش یابند و تغییراتی در زمینه‌های تولید، توزیع و الگوهای مصرف، ایجاد شود (ازکیا، ۱۳۸۰). در بعد فرهنگی، توسعه باید با فرهنگ و ارزش‌های مردمی، سازگار باشد و هویت جامعه را حفظ کند. در نهایت، در بعد زیست‌محیطی، توسعه باید متضمن سلامت محیط‌زیست باشد؛ به طریقی که اکوسیستم را آلوده و منابع طبیعی را تخریب نکند.

نکته مورد توجه این است که توسعه پایدار، اتفاق یا رویدادی نیست که یک‌باره اتفاق بیافتد، بلکه فرایندی پویا و هدفمند است که در طول زمان و با برنامه‌ریزی، تحقق می‌یابد و هدف آن، ارتقای سطح حیات انسان است و نیاز به هوشمندی، تجربه، شناخت و خلاقیت دارد. نکته مهم این نظریه، توجه به عدالت اجتماعی است؛ یعنی توسعه پایدار باید در روند خود، همواره عدالت اجتماعی را مدنظر قرار دهد و نابرابری‌های اجتماعی را از نظر فرهنگی و اقتصادی در مسیر خود از بین ببرد. نکته غایی این تعریف، افزایش منابع انسانی و توانمندسازی جامعه است؛ یعنی توسعه پایدار در فرایند خود باید منابع انسانی را افزایش دهد؛ به صورتی که انسان‌هایی آگاه، کارآمد و خلاق در جامعه، تربیت شوند (اسلامی، ۱۳۸۱).

توسعه پایدار شهری، فرایندی در جهت ایجاد شهر پایدار است؛ یعنی شهری توسعه‌یافته از لحاظ اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی و مناسب و مطلوب برای زندگی حال و آینده شهروندان که از عدالت اجتماعی برخوردار می‌باشد. بنابر اصل یک بیانیه ریو، انسان، شایسته برخورداری از زندگی سالم، پربر و هماهنگ با طبیعت است و باید این اصل، محور اصلی

1- World Commission on Environment and Development
2- Bratland
3- Child

توسعه پایدار قرار گیرد. توسعه پایدار شهری، ریشه در اندیشه‌هایی دارد که در برابر تنگناها و محدودیت‌های محیطی و اجتماعی، به آرمان‌شهرگرایی روی می‌آورند. منظور از توسعه پایدار شهری، فرایندی است که هدف آن، ایجاد شهری پایدار مطابق با نیازهای شهروندان و از لحاظ عملکردی، مکانی مناسب برای زندگی نسل‌های حال و آینده می‌باشد.

توسعه پایدار شهری، مستلزم موفقیت در تحقق اهداف کیفی شهری و مشروط بر فراهم نمودن شرایط برابری نسل حاضر و آتی است. همچنین ذخایر منابع طبیعی شهر و منطقه نباید فراتر از توان بازتولید آن، مصرف شود. توسعه پایدار شهری، ترکیبی از توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت محیط‌زیست است که با توجه تام و تمام به حقوق و آزادی‌های اساسی انسان (از جمله حق توسعه)، ابزار دستیابی به جهانی پایدار و صلحی بادوام‌تر را فراهم می‌کند. این توسعه، توسعه‌ای بینشی- اخلاقی و معنوی می‌باشد (دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، ۱۳۸۷).

ارتباط میان آموزش و سرمایه شهری و به تبع آن، توسعه پایدار شهری در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی، قابل بررسی می‌باشد. هر یک از ابعاد توسعه، متأثر از آموزش می‌باشند؛ به طوری که آموزش بر سرمایه شهری، تأثیر گذاشته و به طریقی و در بعدی از ابعاد سرمایه شهری، منجر به نوع خاصی از توسعه‌یافتگی در شهر می‌شود. نکته مهم و قابل توجه این است که عملاً هدف آموزش، منابع انسانی شهر می‌باشد.

توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی، به فرایندی اشاره دارد که هدفش به وجود آوردن رفاه جامعه شهری از طریق افزایش تولیدات، استفاده بهینه از منابع طبیعی، بالا بردن سطح اشتغال و درآمد، توزیع عادلانه درآمد، مهیا کردن شرایط بهتر مصرف کالا و خدمات است. توسعه اقتصادی، چیزی بیش از رشد اقتصادی می‌باشد و ابعاد بیشتری را شامل

می‌شود. امروزه آموزش شهروندی، معرف نوع مهمی از سرمایه‌گذاری در منابع انسانی است که با فراهم آوردن و ارتقا بخشیدن دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های مورد نیاز افراد، به توسعه اقتصادی کمک می‌کند. مسئولیت پرورش نیروی انسانی و افزایش بهره‌وری و کارایی برعهده آموزش است؛ بنابراین آموزش در توسعه اقتصادی، نقش زیربنایی دارد (ویلر و بیتلی، ۱۳۸۴).

برای رسیدن به توسعه‌ای پایدار؛ یعنی توسعه‌ای موزون، با حفظ ارزش‌های زیست‌محیطی باید به تحول فرهنگ زیستی جوامع اندیشید تا مردم تشکیل‌دهنده جوامع، منش خود را با پایداری و پویایی طبیعت، تطبیق دهند. توسعه پایدار وقتی تحقق می‌یابد که اطلاعات زیست‌محیطی در میان مردم، گسترش یافته و مشارکت مردم در حفظ و حراست از آن، دو چندان گردد. بدون حمایت مردمی، جهش به توسعه نیز مشکل‌آفرین خواهد بود. بنابراین آموزش مردم در زمینه محیط‌زیست، الزامی است؛ زیرا می‌توان با ایجاد تغییر در مبانی اعتقادی مردم، عملکرد آنان را تغییر داد و دورنمای توسعه پایدار را با الگویی مناسب، پیش‌بینی کرد.

به طور کلی می‌توان گفت، هدف اصلی آموزش در زمینه محیط‌زیست، پرورش افراد فعال و آگاه نسبت به محیط‌زیست خود و مسئولیتشان در حفاظت از آن است. برای نیل به این هدف، آموزش باید شناخت افراد را نسبت به واکنش‌های متقابل نسبت به جنبه‌های فیزیکی، بیولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی محیط‌زیست و وابستگی‌ها و ارتباط‌های پیچیده میان توسعه اقتصادی- اجتماعی و بهبود محیط‌زیست، افزایش دهد. هدف دیگر آموزش در زمینه محیط‌زیست این است که در هر فرد، حساسیتی نسبت به حوادث و تغییرات فیزیکی، زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی محیط‌زیست، به وجود آورد و نگرانی‌هایی نسبت به مسائل به وجود آمده در افراد، ایجاد نماید تا آنها نسبت به اصلاح مشکلات انسانی مانند: فقر، بی‌سوادی، بی‌عدالتی اجتماعی و نظایر آن، همت گمارند و

نیز مهارتی برای ابداع روش‌ها، وسایل و حل مسائل زیست‌محیطی در آنها به وجود آید (محرمنژاد و حیدری، ۱۳۸۵).

۴- روش پژوهش

با توجه به عنوان پژوهش، هدف و سؤال‌های پژوهش که در راستای بررسی عوامل مؤثر بر آموزش شهروندی با تأکید بر توسعه پایدار شهری است، روش پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ چگونگی جمع‌آوری اطلاعات؛ از جمله پژوهش‌های توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری، شامل کلیه کارکنان شهرداری شهر زنجان بوده که با استفاده از فرمول کوکران، ۲۰۴ نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده است. ابزار پژوهش

شامل پرسشنامه محقق‌ساخته مبتنی بر طیف پنج ارزشی لیکرت بوده که روایی صوری آن توسط خبرگان دانشگاهی، تأیید شده و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۳ به دست آمد. همچنین جهت تحلیل داده‌ها، از آزمون T تک‌نمونه‌ای و آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده شده است.

۵- یافته‌های پژوهش

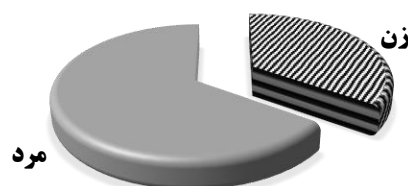
در ادامه شاخص‌های توصیفی مربوط به جنسیت، میزان تحصیلات و سنوات خدمت نمونه مورد مطالعه، آورده شده‌اند.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن بودند که ۶۵/۲ درصد پاسخ‌دهندگان را مردان و ۳۴/۸ درصد پاسخ‌گویان را زنان تشکیل می‌دهند (جدول ۱ و نمودار ۱).

جدول ۱- توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب جنسیت

متغیر جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
زن	۷۱	۳۴/۸
مرد	۱۳۳	۶۵/۲
کل	۲۰۴	۱۰۰

منبع: (یافته‌های تحقیق)



نمودار ۱- توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب متغیر جنسیت

منبع: (یافته‌های تحقیق)

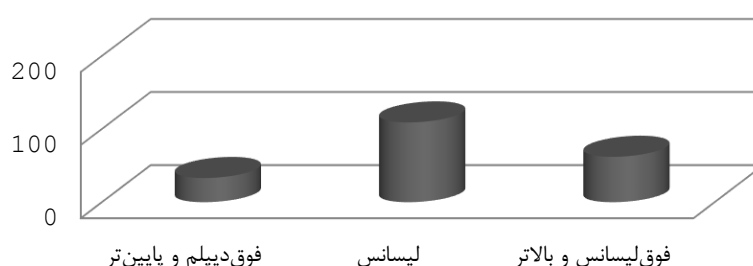
درصد از حجم نمونه آماری را تشکیل می‌دهند. افراد دارای مدرک لیسانس دارای بیشترین سهم و افراد دارای مدرک فوق‌دیپلم و پایین‌تر دارای کمترین سهم هستند (جدول ۲، نمودار ۲).

یافته‌های پژوهش حاکی از آن بودند که توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب متغیر سطح تحصیلات به شرح ذیل می‌باشد؛ کارکنان دارای مدرک فوق‌دیپلم و پایین‌تر ۱۶/۲ درصد، کارکنان دارای مدرک لیسانس ۵۳/۴ درصد و کارکنان دارای مدرک فوق‌لیسانس ۳۰/۴

جدول ۲- توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب متغیر سطح تحصیلات

متغیر تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
فوق دیپلم و پایین‌تر	۳۳	۱۶/۲
لیسانس	۱۰۹	۵۳/۴
فوق لیسانس و بالاتر	۶۲	۳۰/۴
کل	۲۰۴	۱۰۰

منبع: (یافته‌های تحقیق)



نمودار ۲- توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب متغیر میزان تحصیلات

منبع: (یافته‌های تحقیق)

سنوآت خدمت

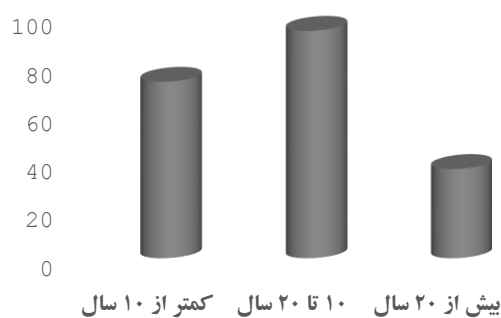
همان‌طور که مشخص است افراد دارای سابقه خدمت ۱۰ تا ۲۰ سال، بیشترین و افراد دارای سابقه خدمت بیش از ۲۰ سال، کمترین سهم را از نمونه آماری به خود اختصاص داده‌اند (جدول ۳ و نمودار ۳).

یافته‌های پژوهش حاکی از آن بودند که کارکنان دارای سابقه خدمت کمتر از ۱۰ سال، ۱۰ تا ۲۰ سال و بیش از ۲۰ سال، هرکدام به ترتیب ۳۵، ۴۲، ۲۳ درصد از حجم نمونه آماری را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۳- توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب سنوآت خدمت

متغیر سنوآت خدمت	فراوانی	درصد
کمتر از ۱۰ سال	۷۳	۳۵/۸
۱۰ تا ۲۰ سال	۹۴	۴۶/۱
بیش از ۲۰ سال	۳۷	۱۸/۱
کل	۲۰۴	۱۰۰

منبع: (یافته‌های تحقیق)



نمودار ۳- توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب متغیر سن

منبع: (یافته‌های تحقیق)

نشان‌دهنده آن بود که عوامل رفتارهای مبتنی بر کنش‌های اجتماعی/سیاسی، قانون‌پذیری و قانون‌گرایی، رفتارهای مبتنی بر آموزه‌های دینی و ملی و رفتارهای مبتنی بر حفظ محیط‌زیست و توسعه پایدار در سطح ۰/۰۵ معنادار هستند و می‌توان نتیجه گرفت که همه عوامل ذکر شده در آموزش شهروندی تأثیرگذار هستند (جدول ۴).

عوامل مؤثر بر آموزش شهروندی از دیدگاه کارکنان شهرداری شهر زنجان چه می‌باشند؟ تحلیل انجام شده بیانگر آن است که عامل «رفتارهای مبتنی بر آموزه‌های دینی و ملی» با میانگین ۳/۷۸ و انحراف معیار ۰/۷۸۵، از نظر کارکنان شهرداری شهر زنجان مهم‌ترین عامل در بین عوامل مؤثر بر آموزش شهروندی است. در تحلیل دیدگاه کارکنان شهرداری شهر زنجان، نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای

جدول ۴- توزیع میانگین نظرات کارکنان شهرداری در خصوص عوامل مؤثر بر آموزش شهروندی

میانگین نظری: ۳		SD	M	شاخص‌ها
Sig	t			عوامل آموزش شهروندی
۰/۰۰۰	۷/۸۸	۰/۸۸۲	۳/۵۴	رفتارهای مبتنی بر کنش‌های اجتماعی/سیاسی
۰/۰۰۰	۹/۶۷	۰/۶۴۵	۳/۶۳	قانون‌پذیری و قانون‌گرایی
۰/۰۰۰	۱۱/۵۲	۰/۷۸۵	۳/۷۸	رفتارهای مبتنی بر آموزه‌های دینی و ملی
۰/۰۰۰	۵/۹۸	۰/۶۸۰	۳/۳۴	رفتارهای مبتنی بر حفظ محیط‌زیست و توسعه پایدار

منبع: (یافته‌های تحقیق)

مقدار در سطح ۰/۰۵ معنادار بوده و بیانگر وجود تفاوت معنادار در بین میانگین رتبه عوامل مؤثر بر آموزش شهروندی بود و عوامل به ترتیب شامل: رفتارهای مبتنی بر آموزه‌های دینی و ملی، قانون‌پذیری و قانون‌گرایی، رفتارهای مبتنی بر کنش‌های اجتماعی/سیاسی و رفتارهای مبتنی بر حفظ محیط‌زیست و توسعه پایدار است (جدول ۵).

اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر آموزش شهروندی از دیدگاه کارکنان شهرداری شهر زنجان به چه صورت است؟ جهت اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر آموزش شهروندی از دیدگاه کارکنان شهرداری شهر زنجان، از آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده شد و با توجه به نتایج به‌دست آمده از این آزمون می‌توان گفت میزان شاخص خی دو به‌دست آمده برابر با ۲۸/۶۷ بوده است و این

جدول ۵- اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر آموزش شهروندی از دیدگاه کارکنان شهرداری

عوامل	میانگین	اولویت	df	خی دو	Sig
رفتارهای مبتنی بر آموزه‌های دینی و ملی	۲۳/۵۶	۱	۳	۲۸/۶۷	۰/۰۰۰
قانون‌پذیری و قانون‌گرایی	۲۱/۳۴	۲			
رفتارهای مبتنی بر کنش‌های اجتماعی/سیاسی	۱۸/۷۶	۳			
رفتارهای مبتنی بر حفظ محیط‌زیست و توسعه پایدار	۱۶/۶۵	۴			

منبع: (محاسبات نگارندگان)

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

همان‌طور که قبلاً گفته شد هدف اصلی این پژوهش، بررسی عوامل مؤثر بر آموزش شهروندی از دیدگاه کارکنان شهرداری بوده که در ذیل به نتیجه‌گیری درباره نتایج می‌پردازیم.

بر اساس نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای عوامل رفتارهای مبتنی بر کنش‌های اجتماعی/سیاسی، قانون‌پذیری و قانون‌گرایی، رفتارهای مبتنی بر آموزه‌های دینی و ملی و رفتارهای مبتنی بر حفظ محیط‌زیست و توسعه پایدار در سطح ۰/۰۵ معنادار است و از دیدگاه کارکنان شهرداری شهر زنجان، رفتارهای مبتنی بر آموزه‌های دینی و ملی، قانون‌پذیری و قانون‌گرایی، رفتارهای مبتنی بر کنش‌های اجتماعی/سیاسی و رفتارهای مبتنی بر حفظ محیط‌زیست و توسعه پایدار به ترتیب مهم‌ترین عوامل مؤثر در آموزش شهروندی بودند. در این زمینه حکیم‌زاده (۱۳۸۶) بیان می‌کند که آموزش محیطی، آموزش صلح، برابری و حقوق بشر، آموزش چندفرهنگی، آموزش سلامت، آموزش شهروندی و آموزش رسانه‌ها مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با مسائل روز جهانی است. لطف‌آبادی (۱۳۸۵) به این نتیجه دست یافت که گروه‌های قابل‌توجهی از نوجوانان و جوانان دانش‌آموز ایرانی دچار ضعف‌های اساسی در هویت اجتماعی و

شهروندی هستند و نیاز است که جوانب گوناگون آموزش شهروندی در برنامه‌های درسی آن‌ها لحاظ گردد. نتایج بررسی مرکز ملی یادگیری و شهروندی آمریکا (۲۰۰۳) نشان دادند که عده زیادی از شرکت‌کنندگان، آموزش شهروندی را مهم دانسته و تقریباً همه آن‌ها فرصت‌هایی را برای دانش‌آموزان جهت اکتساب برخی از دانش‌ها و مهارت‌هایی که شهروندان اثربخش نیاز دارند، ارائه کرده‌اند (قائدی، ۱۳۸۵). خاکپور و اسماعیل بیگی (۱۳۹۰) در پژوهشی برای بررسی آموزش شهروندی و عوامل مؤثر بر آن بیان می‌کردند که جنسیت، رشته تحصیلی، طبقه اقتصادی-اجتماعی خانواده، میزان تحصیلات والدین و پای‌بندی به فرهنگ قومی، با آموزش شهروندی مرتبط است. به اعتقاد یآوری و همکارانش (۱۳۹۲) به تمام مؤلفه‌های آموزش شهروندی در عمل، توجه همه‌جانبه و کافی نشده است. لئو (۲۰۰۱) به بررسی توسعه ارزش‌های شهروندی در تایوان پرداخته و نتایج وی بیانگر آن بودند که سیاست‌های ملی، سبب شده‌اند که اهداف و رویکردهای آموزش شهروندی بیشتر خاص و تجویزی باشند و ارتباط بالایی بین سیاست‌های ملی و قوانین شهروندی وجود دارد. با

توجه به نتایج فوق می‌توان پیشنهادهای ذیل را جهت بهبود وضعیت آموزش شهروندی ارائه داد:

- با توجه به اهمیت و ضرورت پرورش شهروندانی موفق در جامعه پیشنهاد می‌شود ماده درسی تحت عنوان مهارت‌های شهروندی در مدارس اختصاص داده شود.

- با توجه به رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر آموزش شهروندی، توصیه می‌شود که رفتارهای مبتنی بر آموزه‌های دینی و ملی، قانون‌پذیری و قانون‌گرایی و رفتارهای مبتنی بر حفظ محیط‌زیست و توسعه پایدار، بیشتر مورد توجه قرار گیرند.

۷- منابع

آقازاده، احمد. (۱۳۸۵). اصول و قواعد حاکم بر فرایند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی‌های این گونه آموزش‌ها در کشور ژاپن. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۵(۱۷)، ۶۶-۴۵.

ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۰). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی/ ایران، تهران: نشر نی.

اسدی، ایرج. (۱۳۷۹). طراحی مسکن، شکل شهر و توسعه پایدار، *مجله دانش جغرافیا*، شماره ۱، ۴۰-۲۸.

اسلامی، سید غلامرضا. (۱۳۸۱). مواجهه با مشکلات و توسعه درونزا، *نشریه صفه*، ۱۲(۳۴)، ۴۱-۴۷.

بیات، خلیل‌الله. (۱۳۸۶). سیر پیدایش، تحول و تدوین حقوق شهروندی در دوره مشروطیت. پایان‌نامه کاشناسی‌ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی.

پلولو، ربرتو. (۱۳۷۰). *شهروند و دولت*. ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

جهانیان، رمضان؛ حمدی، مهرنوش. (۱۳۹۳). نقش آموزش شهروندی بر میزان پذیرش اجتماعی مدیران فرهنگی در سازمان‌های آموزشی. *فصلنامه مطالعات مدیریت شهری*، ۵(۱۵)، ۸۸-۹۹.

حسین‌زاده دلیر، کریم. (۱۳۸۰). *برنامه‌ریزی ناحیه‌ای*. تهران: سمت.

حکیم‌زاده، رضوان. (۱۳۸۶). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره راهنمایی با توجه به مسائل و مباحث روز جهانی در حوزه برنامه درسی. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، ۲(۵)، ۵۵-۲۷.

خاکپور، عباس؛ اسماعیل بیگی، ناهید. (۱۳۹۰). بررسی تربیت شهروندی و عوامل مؤثر بر آن: مطالعه دبیرستان‌های شهرستان ایلام. *مجله پژوهش علوم انسانی علوم تربیتی*، ۱۲(۳۰).

دانشنامه مدیریت شهری و روستایی. (۱۳۸۷). تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، وزارت کشور، شماره ۲۹۸.

رفیعی، کامبیز؛ لطفی، حیدر. (۱۳۸۹). آموزش شهروندی و نقش آن در تحقق و دستیابی به توسعه پایدار شهری مطالعه موردی: منطقه ۵ شهر تهران. *فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی*، ۲(۴)، ۱-۱۲.

زیاری، کرامت‌اله. (۱۳۸۳). *برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری*. چاپ اول، یزد: دانشگاه یزد.

طالب‌زاده نوبریان، محسن؛ جمالی تازه کند، محمد؛ زمانی‌منش، حامد. (۱۳۸۹). شهروندی و تربیت شهروندی؛ مفاهیم، ابعاد و رویکردها، *همایش ملی رویکردها، چالش‌ها و راهبردهای برنامه درسی تربیت شهروندی*، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت.

طاهرپور، محمد شریف؛ شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۷). نقش نهاد آموزشی در تربیت شهروندی. *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، ۲(۱۷و۱۶).

عیوضی، مریم؛ قلی‌زاده مقدم، زینب؛ سبحانی‌نژاد، مهدی. (۱۳۸۷). تبیین رئوس محتوای درسی تربیت شهروند بومی در عصر جهانی شدن / *از دید اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های شهر تهران*، همایش جهانی شدن و بومی ماندن برنامه درسی؛ چالش‌ها و چشم‌اندازها.

فتحی‌واجارگاه، کوروش. (۱۳۸۴). *آموزش شهروندی در استان کرمان*، طرح پژوهشی، پژوهشکده تعلیم و تربیت، سازمان آموزش و پرورش کرمان.

فتحی‌واجارگاه، کوروش؛ واحد چوکده، سکینه. (۱۳۸۸). *آموزش شهروندی در مدارس*. تهران: انتشارات آبیژ.

قائدی، یحیی. (۱۳۸۵). تربیت شهروند آینده. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۵(۱۷)، ۱۸۳-۲۱۰.

کدیور، پروین. (۱۳۸۴). *ضرورت آموزش شهروندی در جامعه جهانی*. مجموعه مقالات اولین همایش جهانی شدن و تعلیم و تربیت. مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی.

یاوری، زهرا؛ کشتی‌آرای، نرگس؛ احمدی، غلامرضا. (۱۳۹۲).

تدوین اهداف برنامه درسی در دوره متوسطه با تأکید بر

تربیت شهروندی. *فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت*

آموزشی، ۴(۱)، ۱۴۷-۱۶۶.

Abdi, A. A., & Shultz, L. (2013). Youth, social engagement and citizenship in Canada: educational challenges and alternatives. *Sisyphus: Journal of Education*, 1(2), 54-74.

Al-Maamari, S. (2009). *Citizenship education in Initial Teacher Education in the Sultanate of Oman: An exploratory study of the perceptions of student teachers of social studies and their tutors*, (Unpublished Ph.D thesis), The University of Glasgow, Faculty of Education, UK.

Banks, J. A. (2008). Diversity, group identity, and citizenship education in a global age. *Educational researcher*, 37(3), 129-139.

Cecchini, M. (2004). Education for democratic citizenship in Europe: Concepts and challenges for action. In *NECE Conference. Final version* (Vol. 27, p. 2004).

Cogan, J., Derricott, R., & Derricott, R. (2014). *Citizenship for the 21st century: An international perspective on education*. Routledge.

De La Caba Collado, M., & Lopez Atxurra, R. (2006). Democratic citizenship in textbooks in Spanish primary curriculum. *Journal of curriculum studies*, 38(2), 205-228.

Gilbert, T.R. (1997). *Issues for Citizenship in the postmodern world. Citizenship education and the modern estate*, London: Flamer press.

Hahn, C.L. (2008). *Education for Citizenship and Democracy in the unted estates. The sage handbook of Education for Citizenship and Democracy*. Los Angeles: SAGE.

گنجی، محمد؛ نیازی، محسن؛ عسکری‌کویری، اسما. (۱۳۹۳).

تحلیلی بر فرهنگ شهروندی با تأکید بر آموزش‌های

شهروندی. *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۴(۱۲)،

۷۵-۱۰۰.

لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۵). آموزش شهروندی ملی و جهانی

همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان.

فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۵(۱۷)، ۴۴-۱۱.

محرم‌نژاد، ناصر؛ حیدری، عمران. (۱۳۸۵). تدوین الگوی

مدیریتی توسعه پایدار آموزش محیط‌زیست برای نسل

جوان کشور. *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست*،

۸(۱۱ پایانی)، ۶۸-۷۷.

محمدپورزندی، حسین؛ طباطبایی مزدآبادی، سیدمحسن.

(۱۳۹۴). جایگاه آموزش در توسعه پایدار شهری،

فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، ۳(۱۰)، ۱۱۱-۱۲۵.

محمدپورزندی، حسین؛ طباطبایی مزدآبادی، سیدمحسن.

(۱۳۹۴). مدیریت آموزش سازمانی (با تأکید بر توسعه

سرمایه‌های شهری)، تهران: نشر مرکز تحقیقات راه،

مسکن و شهرسازی.

محمدپورزندی، حسین؛ طباطبایی مزدآبادی، سیدمحسن.

(۱۳۹۵). بانکداری اجتماعی با نگاهی بر اقتصاد شهری

و آموزش منابع انسانی، تهران: انتشارات آکادمیک-

چاپ دانشگاه خوارزمی.

محمددخانی، کامران؛ محمد داودی، امیرحسین؛ حسینی،

سهیلا سادات. (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر رضایت فراگیران

از آموزش‌های سراهای محله شهر تهران، *فصلنامه*

مطالعات مدیریت شهری، ۵(۱۴)، ۲۷-۳۸.

معصومی، سلمان. (۱۳۹۰). توسعه محله‌ای در راستای پایداری

کلان شهر تهران، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.

واحد چوکده، سکینه. (۱۳۸۴). آسیب‌شناسی تربیت

شهروندی در برنامه درسی پنهان نظام آموزش متوسطه

نظری از منظر معلمان شهر تهران و ارائه راهکارهایی

برای بهبود وضعیت آن. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد،

رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و

روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

ویلر، اس. ام؛ بیتلی، تی. (۱۳۸۴). نوشتارهایی درباره توسعه

شهری پایدار، ترجمه کیانوش ذاکر حقیق، تهران:

- Harris, C. (2005). Democratic Citizenship Education in Ireland. *Adult Learner: The Irish Journal of Adult and Community Education*, 47, 53.
- Heath, M., Row, D., & Brelesin, T. (2008). *Citizenship Education in the primary curriculum*. Citizenship foundation, England.
- Sears, A., & Hebert, Y. (2005). Citizenship education. *Canadian education association*. In www.cea-ace.ca/median/citizenship-education.
- Keating, A., & Janmaat, J. G. (2016). Education Through Citizenship at School: Do School Activities Have a Lasting Impact on Youth Political Engagement?. *Parliamentary Affairs*, 69(2), 409-429.
- Kisby, B. (2012). *The Labour Party and Citizenship Education: policy networks and the introduction of citizenship lessons in schools*. Manchester University Press.
- McLaughlin, T. H. (2000). Citizenship education in England: The Crick report and beyond. *Journal of philosophy of education*, 34(4), 541-570.
- Liu, M. (2001). The development of civic values: case study of Taiwan. *International Journal of educational research*, 35(1), 45-60.
- Malone, H. J. (2008). Civic education in America's public schools: Developing service-and politically-oriented youth. In *Phi Kappa Phi Forum*, 88(2), 24-27.
- Schugurensky, D. (2005). *Citizenship and citizenship education: Canada in an international context*. Ontario Institute for Studies in Education.
- Tonge, J., Mycock, A., & Jeffery, B. (2012). Does citizenship education make young people better-engaged citizens?. *Political Studies*, 60(3), 578-602.
- Whiteley, P. (2012). Does citizenship education work? Evidence from a decade of citizenship education in secondary schools in England. *Parliamentary Affairs*, 67(3), 513-535.
- Wolf, H. C. De. (1996). *Distance Education*, In *Albert C. Tuijnment*. (Ed): International Encyclopedia of Adult Education; 2ND Ed. Elsevier Science Ltd, Oxford (UK).